

سیاست‌های شاه عباس اول در رونق تجاری ایران

چکیده

در ایام فرمانروایی شاه عباس اول صفوی (۹۹۶-۱۰۳۸ هـ - ق) در اقتصاد ایران چه از لحاظ کشاورزی و چه زندگی شهری و تجارت، پیشرفت و اعتلای مشخصی مشهود بوده است. افزایش تولیدات، توسعه بازرگانی خارجی، اهمیت یافتن شهرها به عنوان مرکز تجارت و تولیدات صنعتی و بسط بازار داخلی از جلوه‌های رشد اقتصادی این دوره می‌باشد. شاه عباس اول از طریق ایجاد ثبات سیاسی، مرکزیت شدید و امنیت داخلی، احداث راه و کاروانسرا، مبارزه با دزدی و راهزنی، سازمان دادن به تولید و تجارت ابریشم، حمایت از اتباع خارجی و استفاده از حضور شرکت‌های خارجی توانست در شکوفایی اقتصادی عصر خود بکوشد. در این مقاله، اقدامات مختلف شاه عباس اول در رشد تجارت ایران در نیمه اول سده یازدهم هجری قمری مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه: صفویه، شاه عباس اول، اقتصاد، تجارت، اقدامات.

مقدمه

ثبات سیاسی، مرکزیت شدید و امنیت داخلی به خصوص نظام راهداری موجب شد که اقتصاد ایران در زمان شاه عباس اول در مسیر ترقی و شکوفایی گام نهد. یکی از چشمگیرترین ویژگی‌های اقتصاد این دوره رشد تجارت بود که بیش از پیش توسعه یافت و موجب رونق اقتصادی کشور شد. افزایش تولیدات کشاورزی و صنعتی و توسعه معاملات داخلی و خارجی، به افزایش جمعیت، فعالیت دائمی بازارها، ایجاد مشاغل تولیدی، معامله‌گری و گردش پول کمک کرد.

با تثبیت اوضاع در این دوره، شهروندی گسترش یافت و حرفه‌های گوناگون شهر نشینی به وجود آمد و حومه شهر، مواد خام اولیه را برای تهیه مصنوعات و امتعه تامین می‌کرد و در راههای ارتباطی امن که به وسیله راهداران نظارت می‌شد، کاروان‌های بی شمار، به صورت منظم و وقفه ناپذیر به حرکت در آمدند. شهرهای اصفهان، تبریز، اردبیل، کاشان، یزد، بندر عباس، همدان، قزوین، مشهد و بار فروش در دوران سلطنت شاه عباس اول از نظر تجارت و تولیدات صنعتی و کشاورزی گسترش یافتند.

بنا به نوشته «اولتاریوس» در تمام آسیا و حتی در تمام اروپا کشوری یافت نمی‌شد که تجارتش را به اصفهان نفرستاده باشد که بعضی از آنها عمده فروش و برخی دیگر خرده فروش بودند. وی می‌گوید در بازار اصفهان علاوه بر تجار ایرانی، از بازرگانان هندی، تاتارهای خوارزمی، ترک، ختایی، بخارا، یهودی، ارمنی، گرجی، و در کنار آنها تجار اروپایی از انگلستان، هلند، فرانسه، ایتالیا و اسپانیا مشاهده می‌شوند. اولتاریوس، عمده هندی‌ها را در اصفهان بالغ بر دوازده هزار نفر ذکر می‌کند که به فروش پارچه‌های ابریشمی و نخی مشغول بودند.^۱

«مانند لسلو» تجارت ایران با اروپاییان را با عبارت زیر توصیف می‌کند: «هلندی‌ها و انگلیسی‌ها از آن جا پول نقد و بعضی از کالاهایی را می‌آوردند که یا به اروپا وارد می‌کنند و یا اینک که به هند می‌برند تا به قیمت خوبی بفروشند. هلندی‌ها نسبت به دیگران بهتر جا افتاده‌اند و در تمام ایران به تجارت لفل، جوز هندی، میخک و سایر ادویه جات مشغول هستند هر چند که آنها حاضر هستند در داد و ستد خود پول نقد و به خصوص ریال و ریکس دلار اسپانیولی بدهند که ایرانیان آنها را نسبت به سایر پول‌ها ترجیح می‌دهند. چرا که آنها را ذوب کرده و برای خود سکه‌هایی با سود بیشتر ضرب می‌کنند. انگلیسی‌ها پارچه‌های انگلیسی، حلبی، فولاد، پارچه‌های هندی و ابریشمی و پنبه‌های غیر هندی خود را یا می‌فروشند و یا مبادله می‌کنند. هندیان، ساتن زریاف و سیم باف ایران، پارچه‌های ابریشمی و پنبه رومی‌زی ایرانی را که کلیچه نامیده می‌شود و الکتایفر پرتغالی، ابریشم خام، پنبه، روبار، آب زعفران و گلاب را خریداری می‌کنند.»^۲

داکت که در سال ۱۵۷۳م. به کاشان رفته تحت تاثیر فراوانی انواع کالاها در بازار آن شهر قرار گرفت^۲ و کارترایت در سال ۱۶۰۰ م کاشان را انبار کالاهای همه شهرهای ایران می‌نامد و می‌گوید: «ابریشمی که سالانه برای بافت وارد کاشان می‌شود بیشتر از پنبه‌ای است که وارد لندن می‌گردد.»^۳

«توماس هربرت» در سفر خود به ایران در سال ۱۶۱۷ م هنگام دیدار از کاشان، این شهر را با چهار هزار خانواده مهمتر از شهرهای یورک و نورویچ در انگلستان می‌داند.^۴

محصول صنعتی کاشان در این دوره، انواع پارچه‌های حریر بود. تجارت این کالا، عده بی شماری از بازرگانان را از اطراف و اکناف کشور به این شهر کشانیده بود. مقدار زیادی از این محصول به هند و سایر ممالک آسیایی صادر می‌شد. در اصفهان نیز صنعت طلا کاری و نقره سازی و زری دوزی و اهمیت تجاری بود و تا اواخر عهده صفویه موقعیت خود را حفظ کرد. این امر در نوشته‌های سیاحانی که از آن دیدن کرده‌اند پیداست. تا رونیه، شاردن، کارری و دیگران از جمعیت و بزرگی شهر تبریز و بازارها و کاروانسراهای عالی آن و نیز موقعیت مهم تجاری شهر سخن گفته‌اند. گروه بی شماری از تجار و بازرگانان مختلف از ملیت‌های گوناگون در این شهر به تجارت مشغول بودند. عده زیادی صنعتگر ابریشم بافت ماهر در تبری وجود داشتند که پارچه‌های نفیس به عمل می‌آوردند. تمام محصول ابریشم خام گیلان به تبریز غوارد می‌شد و در آن جا برای تهیه نخ و پارچه‌های ابریشمی مصرف می‌شده است.^۵

بزرگترین و مهمترین مال التجاره ایران در این دوره، ابریشم طبیعی محسوب می‌شد که عمدتاً از استان‌های شمالی: استرآباد، مازندران و گیلان و به میزان کمتری در خراسان و اطراف یزد تولید می‌شد در این میان ابریشم گیلان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار و سهم بیشتری را دارا بود. از این نظر گیلان و مازندران از شهرهای مهم در نزد سلاطین صفوی بودند و ابریشم گیلان در تمام کشورهای اروپایی اشتهار خاص داشت و توانست بازرگان خارجی را به سوی خود بکشاند.

قسمتی از محصول ابریشم تولیدی در این زمان، به خارج صادر می‌شد و بقیه در داخل به مصرف تهیه پارچه‌های لطیف ابریشمی می‌رسید. این پارچه‌ها در کارخانه‌های معروف یزد، کاشان، اصفهان و غیره به عمل می‌آمد که از این محصول نیز قسمتی در داخل به فروش

می‌رفت و قسمتی به بازارهای خارجی عرضه می‌شد.^۷ به واسطه همین محصول ابریشم، حکومت صفویان با اغلب کشورهای خارجی مناسبات تجاری گسترده پیدا نمود و به بعضی از ممالک، عمال و نماینده بازرگانی فرستاد. چنان که «شاردن»، ضمن تحسین از توسعه مناسبات بازرگانی در عهد صفویه می‌نویسد: «بارگانان ایرانی در تمام نقاط دنیا از سوئد گرفته تا چین، نماینده دارند و به کار بازرگانی مشغولند»^۸

در این عصر، بندر هرمز برای شاه عباس از لحاظ صدور ابریشم ایران که در انحصار خزانه شاهی بود اهمیت فراوان داشت. در طی قرن دهم هجری قمری، هرمز توانست نقش تجاری خود را با داشتن یک «حمل و نقل بزرگ» ایفا کند. زیرا هرمز مرکزی بود برای هند، ایران، عربستان، عثمانی و همه مناطق و کشورهای دور و نزدیک، معمولاً مملو از ایرانیان، ارمنیان، ترک‌ها و همه ملیت‌های دیگر نظیر و نیزیان بود که در آن جا برای خرید ادویه جات و سنگ‌های قیمتی که به فراوانی از هند به هرمز آورده می‌شد حضور داشتند. این کالاها سپس از آن از طریق خشکی به ونیز فرستاده می‌شدند.

در هر سال دوبار کاروان‌های بزرگی از نواحی مدیترانه و ایران، مال التحاره‌های خود را به هرمز می‌آوردند و کالاهای خویش را عرضه می‌کردند و از این جهت ترافیک بزرگی در هرمز به وجود می‌آمد و بازرگانان گوناگون به خرید و فروش می‌پرداختند.^۹

شاه عباس سعی داشت که ابریشم ایران از طریق راه کاروان روی عثمانی که با ایران دشمن بود و عوارض گزافی بابت عبور دریافت می‌کرد به اروپا صادر نشود بلکه از راه دریایی و هرمز و دور آفریقا ارسال گردد و مخارج حمل ابریشم از طریق مزبور ارزان تر از راه عثمانی یا راه ولگا- خزر تمام می‌شد و نفع بیشتری برای شاه داشت. به دنبال اعزام نمایندگان و سفیرانی از جانب شاه عباس به دربار کشورهای اروپایی جهت انجام مذاکره درباره صدور ابریشم و دیگر کالاهای ایران و آمدن عاملان آن کشورها به ایران، سرانجام رقابت کشورهای مختلف در ایران جهت خرید ابریشم آغاز شد.

با تاسیس کمپانی‌های مختلف هند شرقی انگلیس و هلند و در آخر کمپانی فرانسه، و ورود به بازر تجارت ایران دوره‌ای از رقابت این کمپانی‌ها آغاز شد. این شرکت‌ها توانستند تجارتخانه‌هایی در ایران و مخصوصاً در گیلان، اصفهان، هرمز و شهرهای دیگر تاسیس نموده

و مشغول داد و ستد کالاهای ابریشمی و غیر آن شوند. در نتیجه تجارت به ویژه تجارت ابریشم در این دوره، یکی از راه‌های عمده تامین درآمد دولت صفوی محسوب می‌گشت که از فروش آن، سالیانه مبالغ هنگفتی عاید خزانه شاهی می‌شد. تجارت فرآورده‌های ابریشمی (انواع منسوجات و فروش‌های ابریشمی) که خود یکی از اقلام مهم صادراتی ایران را در عصر صفوی تشکیل می‌داد نیز سالیانه پول هنگفتی را وارد مملکت می‌کرد و مشتریان فراوانی را از اکناف عالم به این سو می‌کشانید.

مالیاتی که از تولید کنندگان ابریشم و دیگر محصولات کشاورزی مطالبه می‌شد و نیز حقوق گمرکی و عوارض راهداری که از محموله‌ها و کاروان‌های تجاری دریافت می‌شد مبلغ بسیاری می‌شد که به خزانه دولت وارد می‌شد.

اقدامات شاه عباس اول در رشد تجارت

غالب سیاحان و مولفان اذعان نموده‌اند که شاه عباس اول به امر تجارت اشتیاق داشت و معتقد بود که بازرگانی از راه‌های عمده ثروتمندی و آبادانی کشور است. او پیوسته می‌کوشید تا آنجا که میسر باشد با افزودن بر صادرات و کاستن از واردات، بر ثروت کشور بیفزاید، لذا در امور بازرگانی مداخله و اعمال نفوذ کرده، خرید و فروش کالاهای خارجی و داخلی از جمله معاملات ابریشم را در اختیار خود گرفت.

قبل از وی بازرگانی ایران با دیگر کشورها رونق چندانی نداشت. جنگ‌های شاه اسماعیل با اوزبکان و عثمانیان و اوضاع آشفتنه اولیه صفویه فرصت مناسبی را برای توسعه تجارت به ویژه تجارت ابریشم که کالای استراتژیک کشور بود فراهم نیاورده بود. شاه عباس در همان آغاز سلطنت خویش به ضرورت افزایش صادرات کشور پی برد. زیرا که در گذشته افزونی واردات کشور بر صادرات موجب کاهش ارزش و مقدار سرمایه‌های نقدی شده بود. لذا خرید و فروش بسیاری از محصولات و کالاهای گرانبها و مرغوب ایران را در اختیار خویش گرفت و از آن جمله معاملات ابریشم در تمام دوران حکومتش در انحصار وی بود.

بنا به دستوری که از جانب شاه عباس در این باره داده شده بود، تولید کنندگان ابریشم ناگزیر بودند که تمام محصول سالانه خود را به وسیله وزیر مخصوص که مأمور مراقبت در

امور تجاری بود به شخص شاه بفروشدند. شاه عباس، ابریشم را از مالکان آن به نصف بهایی که مشتریان دیگر از جمله ارامنه جلفای اصفهان خریدار بودند می‌خرید و سپس آن را به بازرگان ایرانی و بیگانه به قیمتی که خود معین می‌کرد می‌فروخت و همه ساله از این راه سود گزافی که به گفته برخی از معاصران وی در حدود هشت میلیون تومان بوده است به خزانه خویش می‌ریخت.^{۱۰}

به تجاری هم که احیاناً بر خلاف دستور او از دیگران ابریشم می‌خریدند اجازه می‌داد که آن را از طریق آسیای صغیر و خاک عثمانی صادر کنند و برای هر بار به دلخواه خود مبلغی از ایشان می‌گرفت. بازرگانان و نمایندگان بازرگانی کشورهای خارجی هم بدون اجازه شاه عباس اقدام به خرید ابریشم نمی‌کردند.

شاه عباس پس از آن که خرید و فروش ابریشم ایران را در اختیار خویش گرفت برای این که از مصرف ابریشم در داخل کشور بکاهد و بر میزان صادرات آن بیفزاید، دستور داد که مردان از پوشیدن لباس‌های ابریشمی اجتناب کنند و بیشتر، لباس‌های نخی و پنبه‌ای بپوشند.^{۱۱} از این راه با صدور ابریشم به کشورهای بیگانه بر ثروت کشور افزود.

یکی از موفقیت‌های شاه عباس نظام بخشیدن به تجارت ابریشم بود. اولاً انحصار این کالا در اختیار شاه بود. عاملان شاه ابریشم را از تولید کنندگان خریداری و در انبارهای شاهی انبار می‌نمودند سپس شاه خود به نمایندگان کمپانی‌های خارجی و یا دیگر خریداران به فروش می‌رسانید. ضمن آن که از خریدهای خارج از موجودی سلطنتی نیز مالیات می‌گرفت بدین صورت که برای هر بار ابریشم خرید شده برای صادرات ۱۲ تومان و برای هر بار ابریشم خرید شده برای عمل آوردن در ایران، ۴ تومان مالیات پرداخت می‌شد.^{۱۲}

اگر چه از ایرانیان، غیر از ارامنه، تجار دیگری که کالاهای ایران را به قیمت بالا در اروپا بفروشد کمتر یافت می‌شد، ولی روی هم رفته منافع حاصله از فروش ابریشم و سایر کالاهای کشور و در آمد عمومی در دوره شاه عباس، رضایت بخش عنوان شده است در این زمان تجارت ابریشم که مهمترین کالای صادراتی صفویه به شمار می‌رفت، به دو بخش تقسیم می‌شد. تجارت داخلی که غالباً توسط بازرگانانی ایرانی صورت می‌گرفت، و تجارت خارجی که عمدتاً در دست ارمینیان بود. شاه عباس به شیوه‌های مختلفی سعی در بازاریابی و صدور

محصولات ایران به ویژه ابریشم داشت. عاملان تجاری کشورهای خریدار، کمپانی‌های مختلف اروپایی طرف قرار داد تجاری، تجار ارمنی که عاملان شاه در صدور ابریشم بودند، نمایندگان و سفرای سیاسی شاه به دربار ممالک خارجی از عواملی بودند که از طریق آنها بازاریابی می‌شد و همچنین محصولات ایران خاصه ابریشم در بازارهای دیگر کشورها به فروش می‌رفت.^{۱۳}

در واقع شاه عباس متوجه شد که علاوه بر در آمد کشاورزی و معادن و استفاده از منابع طبیعی، یک عامل بزرگ اقتصادی دیگر که ارزش خارجی را به کشور خواهد رساند نیز وجود دارد و آن تجارت است، لذا به تشویق تجارت پرداخت و سیاست کلی اش این بود که حتی الامکان بر صادرات بیفزاید و از واردات بکاهد. شاه عباس برای دستیابی به این هدف و رونق بازرگانی و داد و ستد در داخله کشور، به اقدامات مختلفی دست زد که تقریباً در این امر موثر واقع شد:

الف: امنیت راه‌ها و مبارزه با راهزنان

اولین اقدام شاه عباس در این زمینه این بود که امنیت داخلی را در کشور برقرار کرد تا با وجود امنیت و آرامش راه‌ها و مسیرها، ارتباطات و رفت و آمدها آسانتر و مردم بیشتر به امر سرمایه گذاری در کار تجارت ترغیب شوند و او با مبارزه شدید با راهزنان، برقرار نمودن نظام راهداری در طول راه‌ها، تقویت محاکم قضایی و ماموران محلی جهت مجازات راهزنان و دزدان، امنیت راه‌های تجاری را تامین نمود و با این گونه اقدامات توانست که در داخل کشور، مسافران، کاروان‌های تجاری و اموال آنها را از خطر دستبرد راهزنان محافظت نماید و این نظام در آغاز کار خود به نحوه موثری کار می‌کرد به طوری که بسیاری از مسافران اروپایی، میزان امنیت شاهراه‌های ایرانی را در مقایسه با عثمانی خوب دانسته اند. راهدارها و یا مستحفظین در فاصله‌های معین در مسیر راه‌ها مستقر بودند و مانع دستبرد و راهزنی دزدها به کاروان‌های می‌شدند. برای دزدان و راهزنان مجازات سختی در نظر گرفته شده بود و مجازات معمول دزدان دستگیر شده مرگ بود. آنها را با قساوت و بی رحمی و بدون امید شفاعت و عفو به فجیع ترین شکلی شکنجه و مجازات و اعدام می‌کردند.^{۱۴}

ب: احداث راه و کاروانسرا

شاه عباس علاوه بر ایجاد نظام راهداری و مبارزه شدید با راهزنان، به احداث، تعمیر و آبادانی راه‌ها و تسهیل نمودن امر ارتباطات پرداخت. او با اقدام به امر راهسازی، راه‌های کاروان‌رو مناسبی را در کشور احداث نمود و بر روی رودخانه‌ها و جایگاه استراتژیک، پل‌هایی ساخت و حتی در ایالت‌های شمالی ایران مانند گیلان و مازندران و در مرکز کشور جاده‌های سنگفرش ایجاد کرد.^{۱۵}

وجود راه‌های مناسب کاروان‌رو خود یکی از عوامل مهمی بود که امر تجارت و رفت و آمد را تسهیل می‌کرد و به آن رونق می‌بخشید. زیرا سختی و خرابی راه‌ها در امر بازرگانی و قافله‌های تجارتنی مشکلات و موانعی را ایجاد می‌کرد. احداث راه‌های مالرو و مرمت و مراقبت آنها می‌توانست کاروانیان را به امر داد و ستد دلگرم سازد و باطبع به رشد بیشتر آن می‌انجامید و یکی از اقدامات شاه عباس در همین زمینه بود.

ایجاد بازارهای سر پوشیده در شهرهای مختلف جهت عرضه کالاها و داد و ستد بازرگانان و کسبه از دیگر اقدام‌های شاه عباس در توجه به تجارت بود. یکی از این گونه بازارها هنوز در اصفهان وجود دارد.^{۱۶}

ایجاد شبکه کاروانسراها در طول راه‌های تجاری از اقدامات دیگری است که وی جهت بهبود وضع تجارت نمود. این شبکه کاروانسرابی که در کشور و در طول راه‌های تجارتنی اصلی قرار داشت حداقل محل امنی برای اجناس و حیوانات باری تجار فراهم می‌آورد و همچنین امکانات عرضه کالاها و انجام معادلات کوچک را در توقف‌های شبانه در اختیارشان می‌نهاد.

راه‌ها و فواصل مملکت دور و اغلب بی آب و علف بود. چیزی که در این راه خشک و بی آب و علف مایه تسلی مسافران بود، همین کاروانسراها بود که در آن به آسایش می‌پرداختند و خود موجب حفظ کالا و امنیت راه و تامین آذوقه و ایجاد ارتباطات محسوب می‌شدند.

غالب سیاحان خارجی در سفر نامه‌های خود به کاروانسراهای متعدد در ایران اشاره کرده‌اند^{۱۷} و به توصیف آنها پرداخته‌اند. این کاروانسراها در امر تجارت و از جمله تجارت ابریشم نقش مهمی داشتند، زیرا رفت و آمد قافله‌های بازرگانی را تسهیل می‌کرد.

ج: حمایت از اتباع خارجی «بازرگانان و مبلغان مسیحی»

امنیت راه‌ها و ترغیب و تشویق شاه عباس به مساله تجارت و حمایت از بازرگانان خارجی، تجار خارجی را به سرمایه‌گذاری در ایران مشتاق ساخت. علاوه بر بازرگانانی که به طور خصوصی به ایران آمده و به کار تجارت پرداختند و از این راه به ثروت سرشاری دست یافتند، در این دوره قرار دادهای متعددی خصوصاً در مورد تجارت ابریشم با دول خارجی و کمپانی‌های مختلف آنها منعقد شد. اقدامات اولیه شاه عباس برای تسهیل تجارت و هدف اقتصادی که وی از این گونه اقدامات داشت، بازرگانی خارجی را افزایش داد زیرا با آبادانی راه‌ها و بر اساس اهمیت اثر اقتصادی همین راه‌ها بود که شاه عباس، بندر مهم هرمز و بند جرون را توسعه داد و امنیت آن جا را به وسیله حکمرانان وفادار خود در فارس و کرمان تامین کرد و این بنادر را در خدمت تجارت و بازرگانی قرار داد به طوری که «گاه بیش از سیصد کشتی از کشورهای مختلف در لنگرگاه هرمز جمع می‌شدند و همیشه چهارصد تاجر در آن شهر اقامت داشتند»^{۱۸}

به خاطر تامین امنیت همین بنادر بود که شاه عباس از کمک انگلیسی‌ها در جهت دفع پرتغالیان استفاده کرده و به همین دلیل ناگزیر شد به آنان امتیازاتی در امر تجارت بدهد که تا زمان شاه عباس دوم و شاه سلیمان ادامه داشت.

تجارت عمده‌ای که از این بنادر انجام می‌شد مروارید و ابریشم و ادویه و سنگ‌های قیمتی بود. معمولاً در برابر ابریشم، کالاهای اروپایی خصوصاً ماهوت دریافت می‌شد.

شاه عباس در اقدامات خود جهت توسعه تجارت سعی نمود با ایجاد روابط بازرگانی با ممالک خارجی و برقراری مناسبات دوستانه با آنها کالاهای ایران و کالاهای چین و هند را که از ایران می‌گذشت در کمال امنیت به آن کشورها برساند. رقابت تجار پرتغالی و انگلیسی و هلندی و سایر کشورهای اروپایی در تمام روزگار صفویه بر اساس همین سیاست تجارتنی به میان آمد. این داد و ستدها خود موجب کسب ثروت برای شاه و تا حدودی رشد اقتصادی عمومی کشور می‌شد. او برای رشد تجارت و فروش محصولات داخلی، با اروپاییان و بازرگانان خارجی به نرمی رفتار می‌کرد و با اتخاذ سیاست دوستانه، آنان را در بازار معامله

ایران وارد می‌کرد. در اثر این سیاست، تعداد تجارتخانه‌های اروپایی در ایران روز به روز زیادتر می‌گردید.

اروپاییان، ایران را ملجاء خوبی برای انجام عملیات خود در شرق می‌دانستند. از این لحاظ آمد و رفت آنها به ایران رو به ازدیاد گذاشت.

رفتار شاه عباس نسبت به اقلیت ارمنه نیز بسیار ملایم بود زیرا آنها می‌توانستند روابط او را با ممالک اروپا به علت هم‌کیشی تحکیم سازند. شاه عباس را مسکن دادن چندین هزار ارمنی در جلفا و با دعوت سفرا مبلغین مذهبی، جواهر سازان، صنعتگران، ساعت سازان، مهندسی و تجار خارجی به دربار خود کمک موثری در ایجاد روابط بیشتر با کشورهای اروپایی نمود و همینان به رونق بازار تجارت ایران به ویژه ابریشم کمک کردند.

فرامین متعددی از شاه عباس اول و سلاطین بعدی صفوی موجود است که درباره امور بازرگانی و در جهت رفاه حال مبلغان و کشیشان مسیحی و تجار بازرگانی آنها صادر شده و از عموم مردم ایران خواسته شده که همه گونه وسایل امنیت و آسایش زیست و عبور و مرور آنها را فراهم نمایند. نرمش و ملاحظتی که شاه عباس با این عوامل مذهبی و سیاسی و تجاری انجام می‌داد، عمدتاً برای فروش ابریشم و بازاریابی در کشورهای خارج جهت صدور این محصول بود و ابریشم خود یکی از علل تشدید روابط دوستانه تجاری بین ایران و اروپا گشت. زیرا در قرن دهم هجری قمری / هفده میلادی، ایران مقدار قابل توجهی از ابریشم دنیا را تهیه می‌کرد و از راه زمین و دریا به اروپا که غالباً به قیمت‌های گزاف به فروش می‌رفت حمل می‌نمود.

بنابراین در طول دوره صفویه، پیوسته دو نکته علایق ایران و اروپا را در بر می‌گرفت. اولین نکته عامل سیاسی یعنی همان خصومت دیرینه بین ایرانیان و ترکان عثمانی بود. سلاطین صفوی در صدد جلب حمایت و دوستی کشورهای اروپایی در جهت اتحاد در مقابل نیروهای عثمانی بودند. دومین نقطه ثقل علاقه این دو را باید در تجارت یافت. زیرا ایران مقدار معتابهی ابریشم به اروپا صادر می‌کرد از آنجا که تجارت ابریشم در انحصار شاه بود، خریداران علاقمند مجبور به کسب اجازه تجارت و قرار داده بودند. این امر از طرفی منجر به

برقراری کمپانی‌های تجاری کشورهای مختلف می‌شد و از طرف دیگر، شاهزادگان و شاهان اروپایی، موقعیت را بسیار مناسب و خوب می‌یافتند که ضمن قرار داد با شاه ایران بتوانند کالاهای پر ارزش ایرانی را نیز به کشورهای خود صادر کنند.

سخن مورخ عصر شاه عباس گویای گسترده‌ی روابط ایران و جهان در این دوره است وی می‌نویسد: «پادشاهان عرصه گیتی از مسلم و غیر مسلم از اقصای ممالک فرنگستان و اروس و کاشغر و تبت و هندوستان با آن حضرت طرح الفت و آشنایی افکنده از حسن خلقتش متواترا ایلچیان به درگاه عرش آشیان فرستاده اظهار عقیدت و دوستی می‌نمودند، و تحف و هدایا نفیسه هر دیار زیاده از چند و چون می‌گذرانیدند و سلاطین فرنگیه و پادشاهان مسیحیه از لاز و نمه و فرانسه و انگلیس و ولندیس و پرتگال و اسپانیه و پاپ که بزرگترین پادشاهان نصاری و خلیفه ملت حضرت عیسی علی نبینا و علیه السلام و مقتدای طوایف مسیحیه است با وجود بعد مسافت و مکان و دریا‌های ما بین محیط و عمان از آوازه عدالت و سلوک پسندیده اش با طبقات انسانی با آن حضرت از روی عقیدت آمیزش نموده عتبه علیه اش از آمد و شد رسولان سخندان و وصول هدایای هر دیار خالی نبود.»^{۲۰}

در زمان شاه عباس و در طی قرن یازدهم قمری، اصفهان یکی از زیباترین و پر جمعیت ترین شهرهای جهان و در عین حال یکی از مهمترین مراکز تجاری گردید. اصفهان محل فروش ابریشم‌های شاهی و بازار عمده پارچه‌های ابریشمین خاور زمین شد. علاوه بر این، محصولات کشورهای دیگر نظیر هندوستان نیز به بازار این شهر وارد می‌شد. رونق اصفهان خود بر جاذبه تجارت افزود و بازرگانان مختلفی به این شهر جهت امر تجارت رو آوردند. در کنار ایرانی‌ها، هندی‌ها، تاتارها، شاخه‌های مختلفی از ترک‌ها، یهودیان، ارمنه، یونانی، شاماتی، گرجی‌ها، انگلیسی‌ها، هلندی‌ها، فرانسوی‌ها، ایتالیایی‌ها، اسپانیایی‌ها و دیگر نژادها، زندگی و کار می‌کردند.^{۲۱}

در مجموع رفق و مدارای شاه عباس با بازرگانی به خصوص ارمنه و تجار اروپایی، ترغیب امر تجارت و اقداماتی که وی جهت توسعه تجارت خارجی ابرشتم و سایر کالاها به عمل آورد، موجب شد که بازرگانان بسیاری از ملیت‌های مختلف وارد ایران شوند و نظر

مساعدا اروپاییان به تجارت ایران جلب شود. از همین راه، محصولات ایران به فروش می‌رسید و در آمد هنگفتی نصیب خزانه دربار شاهی می‌گردید. از این رو با رونق یافتن کشاورزی، صنعت و تجارت، ایران رابط تجاری هندوستان و مغرب زمین شد.

د: استفاده از آرامنه در تجارت ابریشم

شاه عباس به منظور افزایش تولید ابریشم و سایر محصولات داخلی و توسعه امر تجارت، همچنین سعی نمود تا برخی از شهرها پرجمعیت و آباد شده و محلی برای جذب افرادی باشد که در امر پرورش کرم ابریشم و تولید ابریشم خام و نیز در امر تجارت سر رشته و مهارت داشتند. او با انتقال اجباری آرامنه به اصفهان، برای آنان جلفای نو را بیان نهاد و با اقدامات مختلفی که در اصفهان و جلفا به کار بست، ضمن پر جاذبه ساختن اصفهان برای ورود بازرگانان، با حمایت از آرامنه، آنها را امر تجارت ابریشم به خدمت گرفت.^{۲۲} علاوه بر اصفهان، شاه عباس کوشش کرد که مازندران تا سر حد امکان پر جمعیت و زیبا شود. او از هر جا که لازم می‌دانست مردم زیادی را به مازندران منتقل و ساکن کرد. سپس به همه آنان زمین داد و ادارشان کرد تا کارهایی را که در موطن خود انجام می‌دادند در این شهر نیز انجام دهند. به طوری که در مازندران هنرهای دستی زیادی که قبلا وجود نداشت به وجود آمد و وضع زمین در اثر کشت و زرع تغییر بسیار کرد.

از این نیروها، آنان که زارع بوده و یا مانند گرجی‌ها، آرامنه و سایر مسیحیان و یهودیان به ترتیب کرم ابریشم آشنایی داشتند، دارای زمین و اسباب و ادوات لازم به بذر و چارپا شدند و به کار تولید ابریشم اشتغال یافتند و اطراف فرح آباد مملو از درختان توت جهت تغذیه کرم ابریشم شد که از نقاط مختلف بدان جا آورده و غرس می‌کردند. آذربایجانی‌های اهل شیروان را نیز در این شهر سکونت داد و ادار به فعالیت کرد و آنان را مجبور نمود تا تهیه ابریشم را یاد بگیرند.^{۲۳}

در میان بازرگانان مختلف که به کار تجارت در ایران اشتغال داشتند، از نظر کیفی بیشترین و بهترین آنها آرامنه بودند که در داخل و خارج کشور به داد و ستد مشغول بودند. یکی از امتیازات تجار ارمنی برای صفویان این بود که سود عایدی از تجارت قماش توسط ارمنیان، معمولا در ایران باقی می‌ماند و از کشور خارج نمی‌شد، اما در مورد تجار و شرکت‌های

خارجی که شاه از آنها حمایت می‌کرد چنین نمود و لذا یکی از کوشش‌های شاه عباس همین بود که می‌خواست تجارت بیشتر در دست رعایای خویش از جمله ارامنه باشد تا نصف آن عاید خودش شود و با این کار، پول در مملکت بماند و نقدینه از کشور به خارج حمل نشود.^{۲۵} تکیه شاه عباس بر ارامنه شاید در دراز مدت حیاتی‌ترین کمکی بود که وی به اقتصادی ایران کرد و ارامنه جلقا پس از این که به‌عنوان عاملان شاه عباس در امر تجارت ابریشم درآمدند، با فروش ابریشم‌های شاه در بازارهای اروپا به زودی قابلیت خود را نشان دادند و سر رشته این کار را به دست گرفتند و مهارت‌های لازم را به دست آوردند. آنان در بسیاری از کشورهای دیگر دارای نمایندگی شدند و در امر تجارت هم‌خود صاحب سرمایه‌ها کلان گشتند و هم‌خانه دربار شاه صفوی از سکه‌های طلا انباشته شد. ارامنه توانستند که روابط خارجی ایران را با کشورهای اروپایی تسهیل کنند و آنها را در تجارت ابریشم ایران وارد سازند.

نتیجه

از آنچه بیان شد می‌توان نتیجه گرفت که شاه عباس با برقراری امنیت سیاسی و اقتصادی، ایجاد کاروانسراها، سخت‌گیری و مبارزه با راهزنان و دزدان و حفظ راه‌ها، پشتیبانی از ترقی و رشد تجارت و صنایع و حرف و حتی در برخی جنبه‌ها، معاف داشتن مردم از پرداخت مالیات، توانست به امر تجارت رونق خاصی ببخشد و در این امر انحصار ابریشم را که یکی از کالاهای استراتژیکی بود خود به دست گرفت.

او با اقدامات خود در زمینه افزایش و ترقی تجارت، ضمن بهبودی این امر، از یک طرف عایدات دربار شاهی را از راه فروش کالاهای ایران من جمله ابریشم افزونتر ساخت و از طرف دیگر با افزایش تولید ابریشم در کشور، درآمد و ثروت بازرگانان از راه تجارت ابریشم و سایر کشاورزان و تولید کنندگان مناطق ابریشم خیز به واسطه تولید و فروش آن بالا رفت به گونه‌ای که اولتاریوس می‌نویسد: «ابریشم ثروت هنگفتی را برای ایرانیان به ویژه آنان که چندین محوطه برای پرورش کرم ابریشم دارند به ارمغان می‌آورد».^{۲۶}

همچنین این اقدامات که رشد تولید ابریشم و سایر محصولات، و تسهیل امر داد و ستد را به دنبال داشت موجب روابط هر چه بیشتر ایرانیان با کشورهای اروپایی گردید و رقابت دولت‌ها و کمپانی‌های مختلف را در تجارت ایران موجب گشت. از این رو معاهداتی مختلفی نیز در زمینه تجارت (به ویژه ابریشم) در این دوره بین ایران و اروپاییان منعقد شد و ایران در طی قرون دهم و یازدهم هجری در تجارت ابریشم به مقام شایانی دست پیدا کرد.

پی‌نوشت‌ها و یادداشت‌ها

- ۱- اولتاریوس، آدام، سفرنامه آدام اولتاریوس، ترجمه حسین کردبچه، ج ۲، بی‌جا: شرکت کتاب برای همه، ۱۳۶۹. ص ۶۱۱.
- 2- Meindelslo, J.A., Beshryvingh Van de gedenkwaardige zee- en Landt_Reyza dooe persiennaee Oost_Indien, PARIS, 1679, pp. 11-12
نقل از: عیساوی، چارلز، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، چاپ دوم، تهران، نشر گسترده، ۱۳۶۹، صص ۱۶-۱۵.
- 3- Ducket, Jeffrey, Account Relation to Iran, in, R. Hakluyt, 1589, P. 424.
معتضد، خسرو، حاج امین‌الضرب و تاریخ تجارت و سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران، [تهران]: انتشارات جانزاده، ۱۳۶۶، ص ۱۱۱.
- ۴- ایرانشهر، نشریه شماره ۲۲ کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ج ۲، چاپخانه دانشگاه شیراز، ۱۳۴۳، ص ۹۲۰.
- 5- Herbert, Thomas, Travels in Persia 1627-29, London, bread travelers, 1928, P. 184.
- ۶- کارری، جملی، سفرنامه کارری، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، آذربایجان شرقی، اداره فرهنگ و هنر، ۱۳۴۸، ص ۵۸ و ۱۴۸.
- ۷- درباره تبریز، ر. ک: کارری، جملی، پیشین، ص ۲۱. تاورنیه، ژان باتیستف سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، چاپ چهارم، تهران: انتشارات کتابخانه سنایی و تایید اصفهان، ۱۳۶۹، ص ۶۷. شاردن، ژان، سیاحتنامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، ج ۲،

تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۴۵، ص ۲۸۹.

8- The Cambridge History of Iran , Vol. 6, London, Cambridge University Press , 1980. P. 437.

مقایسه شود با: تاورنیه، ژان باتیست، ص ۶۰۲، کارری، جملی، پیشین، ص ۱۴۹.

۹- شاردن، ژان، پیشین، ج ۴، ص ۳۷۱.

۱۰- درباره اهمیت تجاری هرمز بنگرید به: ابن بطوطه، سفرنامه، ترجمه محمد علی موحد، ج

۱، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۲۶۸. سمرقندی، عبدالرزاق، مطلع سعدین و

مجمع بحرین، ج ۲، در حوادث سال ۴۵۸ ه. ق. قائم مقامی، جهانگیر، اسناد فارسی و

عربی و ترکیب دولت پرتغال، تهران، ۱۳۵۴، ص ۳۳ و بعد اقبال، عباس، مطالعاتی در بساب

بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس، تهران، ۱۳۲۸. ویلسن، آرنولد، خلیج فارس،

ترجمه محمد سعیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۱۰. نوایی، عبدالحسین، ایران

و جهان، ج ۱، تهران: موسسه نشر هما، ۱۳۷۰، صص ۲۵۸-۲۴۸.

۱۱- جهت آگاهی از اقدامات شاه عباس در امر تجارت، ر. ک: تاورنیه، ژان باتیست، پیشین،

ص ۶۱۸ و بعد

The Cambridge History of Iran, 6, PP. 435-440

طاهری، ابوالقاسم، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس، چاپ

دوم، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی و انتشارات فرانکلین، ۱۳۵۴، صص ۳۳۸-۳۳۹:

فلسفی، نصر الله، زندگانی شاه عباس اول، ج ۵، چاپ چهارم، تهران: انتشارات علمی،

۱۳۶۷، صص ۲۳-۲۲۷.

۱۲- بنگرید به: دلواله، پیتر، سفرنامه پیتر و دلواله، ترجمه شعاع الدین شفا، چاپ دوم،

تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰، صص ۱۴۷-۱۴۲.

13- Steens gaard, The Asian Trade Revolution of the Seventeenth Century , Chivago, 1973, P. 381

۱۴- تاورنیه، ژان باتیست، پیشین، صص ۴۰۵-۴۰۳.

۱۵- درباره اشکال مختلف شکنجه و مجازات راهزنان و دزدان دستگیر شده ر. ک: تاورنیه،

ژان باتیست، پیشین، صص ۶۱۴-۶۰۶ کارری، جملی، پیشین، صص ۱۳۸-۱۳۷. ترکمان،

اسکندریک، تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۳، به اهتمام ایرج افشار، تهران. انتشارات امیر کبیر و کتابفروشی تایید اصفهان ۱۳۵۰، ص ۱۱۰۳. دلاواله، پیترو، پیشین، صفحات مختلف. منجم، جلال الدین محمد. تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال، به کوشش سیف الله وحیدنیا، [تهران]، انتشارات وحید، ۱۳۶۶، صص ۱۲۱-۱۲۰. ۱۹۰ و ۴۲۱. فلسفی، نصرالله، پیشینی، ج ۲، صص ۵۰۸-۵۰۳

16- The Cambridge history of Iran, Vol 6, P. 453

درباره اقدامات راه سازی شاه عباس در مازندران، ر. ک: تاریخ عالم آرای عباسی، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، ج ۳، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۷، صص ۱۶۴۳-۱۶۴۱.

۱۷- درباره وضعیت کاروانسراها در ایران به ماخذ زیر مراجعه شود: تاورنیه، ژان باتیست، پیشین، صص ۱۳۰-۱۲۲. کارری، جملی، پیشین، صفحات مختلف. سیرو، ماکسیم، کاروانسراهای ایران و ساختمان‌های کوچک میان راه، ترجمه عیسی بهنام، قاهره، ۱۹۴۹، صفحات مختلف. شاردن، ژان، پیشین، مجلدات مختلف شاردن فقط در اصفهان ۱۸۰۲ باب کاروانسرا احصا کرده است.

Siroux, Maxime, "les Caravanserais Routiers Safavids" , in: Iranian Studies , Vol , 7, 1974, PP. 348-362

۱۸- وارتمان، لودویک، سفرنامه‌های اروپاییان، ترجمه غلامرضا ورهرام، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۴، صص ۷۴-۷۳ تاج بخش، احمد، ایران در زمان صفویه، تبریز، انتشارات کتابفروشی چهر، ۱۴۴۰، ص ۵۵.

۱۹- والسر، سیبلا شوستر، ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپاییان، ترجمه غلامرضا ورهرام، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۴، صص ۷۴-۷۳ تاج بخش، احمد، ایران در زمان صفویه، تبریز، انتشارات کتابفروشی چهر، ۱۴۴۱، ص ۵۵.

The Cambridge History of Iran, P.444.

۲۰- ترکمان، اسکندریکه، پیشین، ج ۳، ص ۱۸۰۱.

۲۱- والتاریوس، آدام، پیشین، ص ۶۱۱. دلاواله، پیترو، پیشین، صص ۱۴۷-۱۴۲. تاورنیه، ژان باتیست، پیشین، ص ۴۰۹. کاتف، فدت آفاناس یویچ، سفرنامه کاتف، ترجمه محمد صادق همایونفرد، تهران، چاپ شرکت دپا استریپ، ۱۳۶۵، ص ۶۴.

۲۲- درباره کوچاندن ارامنه از نواحی ارمنستان به اصفهان و مازندران توسط شاه عباس، ر. ک ترکمان، اسکندریکه، پیشین، ج ۲، صص ۶۶۹-۶۶۸. تاورنیه، ژان باتیست، پیشین، صص ۴۰۱-۴۰۰. شاردن، ژان، پیشین، ج ۸، صص ۹۵-۹۴. قوکاسیان، هراند، (شاه عباس و ارامنه جلفای اصفهان)، مجله هور، ش ۳۴، فروردنی ۱۳۵۳، صص ۶۲-۶۰. فلسفی، نصر الله، پیشین، ج ۱، ص ۴۷ و بعد، ج ۳، صص ۱۱۱۹-۱۱۰۷.

* Gregorian, Varta, Minorities of IsfahanL: The Armenian Community of Istahan 1587-1722, in: Iranian Studies, Vol, 11, 1978. PP. 658-661

۲۳- در این باره، ر. ک: دلاواله، پیترو، پیشین، صص ۱۷۱-۱۷۰.

۲۴- تاورنیه، پان باتیست، پیشین، ص ۵۱۵، مینورسکی، سازمان اداری حکومت صفوی، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۰، ص ۳۱.

۲۵- درباره نقش ارامنه در تجارت و اقتصاد صفویه، ر. ک: سفرنامه تاورنیه، صص ۴۰۵-۴۰۱. فلسفی، نصرالله، زندگانی شاه عباس ج ۳، صص ۱۱۵۱-۱۱۰۷.

Gregorian , Varta, op, cit

۲۶- اولتاریوس، آدام، پیشین، ص ۶۳.

فهرست منابع

- ابن بطوطه، سفرنامه: ترجمه محمد علی موحد. ج ۱. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اولناریوس، آدام. سفرنامه اولناریوس. ترجمه حسین کردبچه. ج ۲، [تهران]: کتاب برای همه، ۱۳۶۹.
- ایرانشهر، نشریه شماره ۲۲ کمیسیون ملی یونسکو در ایران. ج ۲. چاپخانه دانشگاه شیراز، ۱۳۴۳.
- تاج بخش، احمد. ایران در زمان صفویه تبریز: انتشارات کتابفروشی چهر، ۱۴۴۰.
- تارونیه، ژان باتیست، سفرنامه تارونیه، ترجمه ابوتراب نوری. چاپ چهارم، تهران: انتشارات کتابخانه سنایی، ۱۳۶۰.
- ترکمان، اسکندریک، تاریخ عالم آرای عباسی. به اهتمام ایرج افشار، ج ۳، تهران: انتشارات امیر کبیر و کتابفروشی تایید اصفهان، ۱۳۵۰.
- دلاواله، پیتر، سفرنامه پیتر و دلاواله، ترجمه شعاع الدین شفا. چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.
- سیرو، ماکسیم. کاروانسراهای ایران و ساختمانهای کوچک میان راه، ترجمه عیسی بهنام، قاهره، ۱۹۴۹.
- شاردن ژان، سیاحتنامه شاردن، ج ۲ و ۴ ترجمه محمد عباسی. تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۴۵.
- طاهری، ابوالقاسم تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس. چاپ دوم. تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی و انتشارات فرانکلین، ۱۳۵۴.
- عیسای، چارلز، تاریخ اقتصادی ایران. ترجمه یعقوب آژند. چاپ دوم. تهران: نشر گسترده، ۱۳۶۹.
- فلسفی، نصرالله، زندگانی شاه عباس اول، ج ۱، ۲، ۳ و ۵ چاپ چهارم تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۷.
- تاریخ روابط ایران و اروپا در دوره صفویه، قسمت اول. تهران: چاپخانه ایران، ۱۳۱۶.

- قائم مقامی، جهانگیر. اسناد فارسی و عربی و ترکی دولت پرتغال. تهران، ۱۳۵۴.
- قوکاسیان، هراند، (شاه عباس و ارامنه جلفای اصفهان) مجله هور. شماره ۴۴، فروردین ۱۳۵۳.
- کاتف، فدت آفاناس یویچ، سفرنامه کاتف ترجمه محمد صادق همایونفرد. تهران: چاپ شرکت دیباستریپ، ۱۳۵۶.
- کارری، جملی. سفرنامه جملی کارری. ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ. آذربایجان شرقی، اداره فرهنگ و هنر. ۱۳۴۸.
- معتضد، خسرو. حاج امین الضرب و تاریخ تجارت و سرمایه گذاری صنعتی در ایران [تهران]: انتشارات جانزاده، ۱۳۶۶.
- منجم، جلال الدین محمد: تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال. به کوشش سیف الله وحیدنیا [تهران]، انتشارات وحید، ۱۳۶۶.
- منشی، اسکندریک، تاریخ عالم آرای عباسی. تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، ج ۳. تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۷.
- نوایی، عبدالحسین. ایران و جهان. ج ۱. تهران: موسسه نشر هما، ۱۳۷۷.
- والسر، سیبلا شوستر، ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپاییان، ترجمه غلامرضا ورهرام. تهران: موسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۴.
- Herbert, Thomas, Travels in Persia 1627- 29, London, bread way thravellers, 1928.
- Siroux, Maxime, Les caravanserais Routiers safavids", in Iranian studies, vol 7, 1974, 343-362.
- Steensgaard, the Asian Revolution of the seventeenth century, Chicago, 1973.
- The Cambridge History of Iran, vol, 6, (the timurid and safavid periods), edited by Peter Jackson and Laurence lockhart, Londen, Cambridge vnersity Press, 1980.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی